

سخن روز

## وحدت نیروهای ملی و جبهه ملی

سازمان در حال حاضر نمیتواند در تحقق بخشیدن باین وحدت بازاری کند یکی از مسائل مهم روز شده است. برای اینکه بتوانیم باین نقش چنانکه باید و شاید توجه کنیم باجماع نکات اساسی و داده‌های مسئله را بر می شمیریم:

۱- جبهه ملی شکل عینیتی سازمان بانی نیروهای ملی ایران در آن مرحله از تاریخ این مبارزات بود که دکتر صدوق با اعلام هدف ملی کردن صنایع نفت و فراهم آمدن شرایط انتخابات آزاد و سالم شروع کرد و خود رهبری آن را به عهده گرفت و با انجام رسانید. بدین سان جبهه ملی یکی از مراحل شکل بانی جنبش ملی ایران را در ضمن تاریخ پندمدت مبارزات ملت ایران پسرای پیغمبر بقیه در صفحه ۳

در این مرحله از مبارزات ملی مردم ایران برای بدست آوردن حاکمیت ملی بیکار دیگر اقتصاد بین نیروهای ملی تحت یک شعار و یک برنامه بمنظور در هم کوبیدن رژیم پلایان و استقرار حکومت ملی، علیرغم مشکلات داخلی و خارجی تبدیل بیک ضرورت عاجل شده است که آگاهی به آن بایستی بتواند به تمام پیش نهنگی ها، دل چرکینی ها، قهر و آشتی ها و حتی تضایعات سیاسی ناشی از اختلاف سلطه ها در چارچوب برنامه های ملی فائق آید مسئله جبهه ملی و نفی که بازمانده آن

## جاسوسی

درجه نزول اخلاقی یک انسان که بتواند از طریق تماری تخریبی کند مانند کرکی است که مقصد از گوشت مردار به حیوانات می دهد. این عمل ولو تحت عنوان خدمت به وطن حتی بی مزد هم مایه مایهات نیست تا چه رسد وسایل برانگیختن برای بیرون کشیدن اسرار خصوصی و تفتیش افکار و عقاید افراد بمنظور پرورده سازی و انهدام خانواده ها.

در آئین مزداتی دروغگو و سطن چین و آرمند سه دیو طعمی و عد متکزار اهریمنند. در دین اسلام نیز جستجو در افکار و اعتقادات مذموم است. برای متافق هم حساب و کتاب نیست. ظهور اسلام برای دیگر ادیان نوظهور است و مردم بسیاری که پای بند دین و آداب مذهبی بقیه در صفحه ۵

## اندیشه و فرهنگ ایران

### دهخدا

ای مرغ سحر چو این شب تار  
وز نغمه روح بخت اسرار...  
بگشود کره ز زلف ز تار  
بزدان یکمان شدیدیدار  
باد آرز شمع مرده یارار

اظهارات نامی شایسته و بهر آن بافتند. پدر دهخدا برای تربیت و تحصیل فرزندان خود فزوسن را به قصد پایتخت (تهران) ترک کرد. بقیه در صفحه ۳

برای گفتن ما پیشین ارد هخدا کوتاه مقاله ای در نامه نهضت پیش از نمایین نظره ای از افغانوس بیکران نخواهد بود. گفتگوار مردی عظیم الشان، پرمایه، بلند پایه ای کشور کهن و تاریخی ایران چون علی اکبر دهخدا نیازمند مطالعه و تحقیق بر پشتوانه چندین ماهه که از آگاهی دقیق و منصف چندین ساله برخوردار شده باشد است.

گر بریزی بحر را در کوزه ای چند کجند قسمت یک روزهای؟

دهخدا در خانواده ای از ملاکین متوسط شهرستان فزوسن به دنیا آمد این خانواده بعه امانت و کدخدائی در سراسر قزاق (قزوق و شهرک عسای

## نامه ای از ایران

مازبان جرم : ساعت ۷ شب جمعه است و طبق معمول سرکردان و بسی برنامه در خانه نشسته ایم. سه تفریحی هست که انجام دهیم و نه حاشی که برویم و ساعاتی را بسه فراموش سیری کنیم. رقص سینهها و دیدن یک فیلم حالسب که در گذشته برنامه ای پیش پسا آماده بشمار مرتب آشنی بصورت یک ریا در آمده در ریخ از یک برنامه دیدنی و تفریحی بر سهیمه طیروز ۰۰۰ تنها بقیه در صفحه ۸

## در این شماره میخوانید

- وحشت نشسته آنجا.
- از ابو زبیرون
- ناخوانندگان
- خبرهای نهضت مقاومت ملی ایران
- اخبار ایران و جهان
- از روزنامه های ایران
- از روزنامه های خارجی
- از یاد بوها و خبرگزاریها

## دیدگاهها سنجشی از مبانی فکری جنبش متحد ملی

که پدر از هرگونه تعصب و خشک اندیشی حسجوکر مناسب بریدن را هدیه. نیز صدگری می شوم که نهضت مقاومت ملی ایران آمادگی کامل دارد تا در یک کردهم آتسی مرکب از چنین گروهها و شخصیتها برای یافتن یک پروژه مشخص مبارزاتی و سیاسی به گفتگو بنشینند. ۴۲۴ آنچه توسط جنبش متحد نیروهای ملی ارائه شده "مانیفستی" است از یک "گروه متفکر" است. مقدمه ای که عنوان اعلامیه شماره یک جنبش متحد نیروهای ملی را بقیه در صفحه ۵

طی شماره های گذشته. در همین ستون دیدگاهها، راهمایی آقای دکتر مدنی را بررسی نمودیم و وعده دادیم مبانی فکری جنبش متحد نیروهای ملی ایران را نیز بسنجیم.

با دآوری این نکته را لازم می دانیم که نهضت مقاومت ملی ایران بر آتست که سرانجام همگامان و همزمان با القوی خود را درگیر و دار همین بحث ها و از میان گرایشهای ملی و معتقدین به دو اصل استقلال و آزادی خواهد یافت. گروهها و شخصیت هایش

### وحدت نیروها

دست آوردن حق حاکمیت خود تشکیل میدهد که مراحل ملی آن را مختصاً در مرحله فعلی با تمام ۱۳۵۲ شروع شده است و همین شکل پاپی سازمانی خود را پاپان نداده است. این مسئله که شکل پاپی مبارزات ملی در شرایط امروز باید دنبال شده جبهه ملی باشد یا در شکل تازه ای جلوه گر شود مسئله ایست که پرواز دادن پاپان مستقیم نتیجه به نکات زیر است:

الف - در داده های سیاسی جهان به نسبت اوضاع و احوال مبارزات جبهه ملی تغییرات بسیار بزرگی بوجود آمده است.

ب - در ساخت اجتماعی ایران نسبت به دوران جبهه ملی تغییرات اساسی بوجود آمده و مفولات اجتماعی ظاهر شده است که در آن زمان موجود نبودند.

پ - در داخل جنبش ملی نمایان سیاسی جدید با برنامه های اجتماعی سیاسی جدیدی پیدا شده اند که در زمان جبهه ملی وجود نداشتند و این نمایانند دارای برنامه های روشن و گسترده تری نسبت به برنامه های قبلی هستند.

د - آگاهی مبارزان سیاسی و نیز گروه های اجتماعی مختلف متعلق به جنبش ملی از حلقه در اثر توجه به تحلیل هایی که از ملل شکست جبهه ملی پدید آمده اند افزایش یافته است.

ه - و بالاخره در اوضاع و احوال امروز تطابق عینی بین مفهوم کلی جبهه ملی از حیثیت فکر و آرمان و محتوی عملی آنچه که از جبهه ملی در اخصاص و سازمانهای باقی مانده است از پس رفته یا بسیار ضعیف شده است.

مجموعه این داده های سیاسی و اجتماعی ایجاب میکند که سازمانندگان جبهه ملی اعم از شخصیت های وابسته به آن و سازمانهایی که تحت این عنوان باقی مانده اند به نکات زیر توجه کنند:

۱ - شکل پاپی مدد مبارزات ملی در این مرحله از سایر مراحل محتوی سیاسی و نه از لحاظ وسعت و دامنه دنیانه آرگانیستیک جبهه ملی نمیتواند بود زیرا الزاماً با بنی نبردها و برنامه های جدیدی را در خود فراگیرد که در چارچوب جبهه ملی نمیتواند اما این نیز صحیح است که این شکل پاپی جدید هر اسم و عنوانی بحد بکیرد و اورت تمام دست آوردها و نیز از دست داده های جبهه ملی خواهد بود و از جمله تمام شخصیتها و افراد و عناصر جبهه ملی که همین هم به آرمانهای آن وفادار مانده اند و همگام نوانسته اند خود را از اشتباهات بزرگی که در بند بعد به آنها اشاره خواهد شد درها سارند و در آن شرکت کنند و بدینوسیله این عناصر و شخصیتها جای ویژه ای در این شکل پاپی جدید نهضت ملی خواهند داشت.

۲ - مبارزه ملت ایران در مرحله اول تحت عنوان جبهه ملی صورت گرفته است در چند مرحله دچار شکست شده است که یاد آوری آنها برای یافتن راه و روش آینده مبارزات ملی مفید و ضروری است.

الف - اولین شکست جبهه ملی در زمان حکومت مصدق و با ساقط شدن حکومت ملی او بوجود بیوست. برومی علی این شکست خود یکی از دلایل تحریک پسر ارژن برای مبارزه آینده است.

ب - دومین شکست جبهه ملی در زمانی بود که رهبری جبهه در حکومت دکتر امینی فرصت بسیار مناسبی را برای بدست گرفتن ابتکار سیاسی از دست داد و اجازه داد که امید مردم بابتکار آن رهبری بدون به یار نشود و حکومت دیکتاتوری با هدف تصادم عمار سازمان های ملی قدرتمند که خود را بر مملکت سلطت دارد این مرحله با اعلامیه ای پایان یافت که رهبری جبهه ملی در آن اعلامیه مبارزه را رسماً تعطیل شده اعلام داشت.

پ - و بالاخره سومین شکست جبهه ملی در قیام ۱۳۵۷ آشکار

### وحشت نشسته آنجا

دردم و دردم  
سرکوشی رسدم  
آنجا که در خیالم، همچون بهشت جا بود

آخ نه آنجان بود  
\*\*\*

نه سوره ای نه آبی  
نه بلبل که خواند بر روی شاخساری  
نه جبین سبزی  
نه جلوه بهاری  
نه مری که داند  
الصاب مردی را  
نه آدمی که بهد  
اسرار آدمی را  
نه خنده نقیصی  
نه آه سوزناکی  
نه صب و استخوانی  
نه رند سیه چاکتی  
نه دوستی که با او اسرار دستان  
کف

رمزی ز کار جان گفت  
نه دلبری که اشکی در دامنش توان  
ریخت

با او آدمی در آصحت  
آنجا که در خیالم، همچون بهشت جا بود

آخ نه آنجان بود  
\*\*\*

کوهی سیاه و سرسخت  
از سینه خشک سوزان  
با غارهای تاریک  
چون لانه های شیطان  
سر بر فلک کشیده  
آرام و پر ز طوفان  
خاموش و پر ز غوغا  
تاویک روز روشن  
لرزان میان کرما  
بد خوئی و پلیدی  
بدکاری و تباهی  
وحشت نشسته آنجا، بوخت بادشاهی

د پوی بچشم بدی، در کارخانه سازی  
تا از ره لوندی گمردتورا بازی  
آید صدای مرغی  
در پهنه عقاب

ند. قبل از اینکه ملایان برهبری خاصی موج شوند ابتکار عمل را بدست گیرند اشتدادر روشنگران و مردم ایران و جهان در این بود که باقی مانده رهبری جبهه ملی این لیاقت را به حق خواهد داد که علاوه ضدفی که بدان بسیار نده بود با اراده یند خط مشنی



جین ناله های روحی  
در آتش غدا می  
ارواح صاف و ساده  
از سحر جادوی بوم  
محرور و کور و مذکور  
گاهی صدای باقی  
موزی و نرم و صحنم  
آید بکوس آدم  
روبو بلند و آزاد  
کرده صلصم پاره  
با حبه پر از چین  
با پای کوب بیجا، آید ز کوه بالا  
تا بر شود فراتر، بگرید و زنده بر

آخ نه آنجان بود  
آنجا که در خیالم، همچون بهشت جا بود  
\*\*\*  
د بهان سبزه و آب  
یک عمره بریدم  
و آن آب و سبزه نایاب

دردم و دردم  
بعد از هزار زحمت  
سرکوشی رسدم  
\*\*\*

این سرودی آزادی است به  
زمان استالین، و برای همهی  
زمانها و مکانها که استالین هس  
فرمان میراند.

منی صحیح و رهنمودهای سیاسی صحیح بتواند رهبری قیام را به دست گرفته و آن را بسوی بسک انعطاف منی هدایت کند لیکن بسا کمان تاخف شاهد این حیثیت هستیم که در این مرحله نیز آن قسم از رهبری که پاپی عنوان بخه در صفحه ۳

# رهایی ایران در گرو اتحاد نیروهای ملی است

وحدت نیروها

شناخته میشد دچار خطای باصواب بود که دشمنان استقلال ایران همتا ایجاد کرده بودند. نتیجه این شد که بجای اینکه برانزیزی که در کودتای شوم ۲۸ مرداد در سر راه کسب استقلال و حاکمیت مردم ایران باز شده بود بسته شود و از نو حکومت ملی بعد از نام ۱۳۵۷ دنباله حکومت صدفی را بگیرد. اینک منکبت ما یکی از شوم ترین دوران های تاریخی خود را میگرداند. بسیاری درک علت مهم و اساسی این شکست ها که در همین حال بیان کننده علت چند دستگی در داخل جبهه ملی است باختصار میگوئیم که اگر چه جبهه ملی تحت رهبری شخص دکتر صدفی ( و اضافه کنیم که در واقع امر ایند ارگان رهبری دست جمعی وجود نداشت و هیچ یک از همراهان صدفی که در داخل رهبری جبهه ملی بودند در سطحی از دانش و بینش سیاسی نبودند که بتوانند با او برابری کنند و خود را بعنوان رهبر به جامعه ارائه دهند) ضمن تعدیل صحیح و دقیق آرمان نهضت ملی که کسب استقلال ایران بوده و هست و وجود یک برنامه عملی و معینی که تعدیل سیاسی ملی کردن صنایع نفت بر اساس سیاست موازنه منفی بود هیچ مکتب تدوین شده ای در زمینه برنامه های ملی و سیاسی نداشت که بتواند آن را در مقابل مکاتب پروژه های سیاسی چپ یا اسلام بازان آموختن قرار دهد تا بدین وسیله بتواند از حاکمیت ملی در مقابل ادعاهای این مدعیان سیاسی دفاع کند. بهمین دلیل با اولین شکست جبهه ملی با فرمانده رهبری دچار سرگیجه شد و در انحصار نداشتن هیچ نوع راهنمای عملی هر چند نگر و گاهی هر کدام از افراد آن به سوی مکاتب راه حلها و احتمالا برنامه های شخصسی گشوده شدند و وحدت برنامه که نداشتند دچار تفرقه در عمل نیز شدند.

تنها عاملی که با وجود تمام این سرگردانیها سبب میشد کسب هنوز جبهه ملی بعنوان وارث مبارز ملی شناخته شود سابقه همکاری افراد آن با صدفی بود که معیار

عدم انحراف از این خط ملی نیز تنها تأیید متقابل افراد رهبری از یکدیگر بود. بمی تا زمانی که همه افراد شورا قادر بودند حفظ ملی سیاسی واحدی را بسازند تاخیر دست جمعی ارائه دهند این امید باقی بود که بتوانند به مشکلات فائق آیند و اثرات و میراث مبارزه ملی را نجات دهند اما واقعیت این بود که در کنار جریان ملی پروژه های سیاسی مخالفی وجود داشت که نه فقط روی جامعه ایجاد جاذبه ای شده میکرد بلکه هر کدام از افراد رهبری جبهه ملی تحت تأثیر این نوع جاذبه ها قرار میگرفتند. آشکارترین مورد این اثر گذاری حاذبه های کاذب روی افراد رهبری جبهه بصورت تطمیع بلاشرط آقای سنجایی و فروپرده رهبری جبهه ملی جلوه گر شد و چون در آن زمان آقای سنجایی در همین حال بعنوان سخن گوی اصلی جبهه ملی اعلام شده بود چنین تصوری که جبهه ملی در تمامیت خود از راه ملی منحرف شده و به جنبش ملیان پیوسته است. اما در واقع چنین نبود و تعداد بسیار زیادی از شخصیت ها و رهبران جبهه ملی با این تسلیم شدن مخالف بودند لیکن در همین حال با هم توافق نداشتند و هر یک راه و روشی خاص را در تئیسال کردن مبارزات ملی پیشنهاد میدادند و همچنین مشرویتی هم که هر یک از این افراد با گروههای جبهه ملی برای توجیه خط مشی که انتخاب کرده اند ارائه میدهند صرفاً سابقه همکاری و همراهی آنها با دکتر صدفی میباشد و پس زیرا هیچ مکتب یا راهحالی عملی برای تشحیح اینکه آیا این موضوع گیریها که توسط افراد ارائه میشوند با خط مشی اصلی جبهه ملی که هدف آن کسب و استقرار حاکمیت ملی است تطابق دارد یا نه وجود ندارد.

نتیجه این شده است اینکه بازماندگان جبهه ملی تنها با انگه باین که عضو شورای جبهه ملی بوده اند به چند گروه یا تعالیم مختلف تقسیم شده اند و هر یک خود را تنها نماینده اصلی جبهه ملی میدانند و دیگران را مورد ملامت و شماتت

دهخدا

دهخدا تحصیلات و علو وجودی و زبان فرانسه را در مدرسه سیاسی و عربی و علوم دینی را نزد شیخ ملا محمد حسین بروجرودی و حاج شیخ هادی نجم آبادی آموخت. در ارومیه آشنایش در فرانسه و پس بود و اشتغالش مرا گزین و مطالعه در فلسفه و ریاضی. در شروع مشروطیت به ایران بازگشت. در ۱۳۲۵ قمری روزنامه "مسئور اسرائیل" را با همکاری جهانگیر خان وقاص خان صورت تأسیس نمود. در این روزنامه دهخدا ستونی تحت عنوان "چند پیر" باز کرد و در آن جریانات اجتهاد و سیاسی را با روشی نقادانه و طنز آمیزانه انتقاد مینمود. در بازگشت

فرار میدهند. با بهارت دیگر ادعای مشرویت هر یک از این جریان ها با اعتبار شخصیت افراد آنها است و به به اعتبار پیروی از مکتب و راه شناخته شده است. ارجاع به آن بشاید افراد گروه های بی اثری یا طرفدار مبارزات ملی را قانع سازد. با وجود این چنین بنظر میرسد که ضمن شکست یابی مرحله جدید نهضت ملی بتدریج چهره وسیعای راه اصلی ملی روشن میشود و شاید بتوان گفت از بین تمام گروه ها و افراد انتهائی اصالت دارند که بدین انحراف و جذب شدن به جریان های کاذب اسلامی گری یا چپ گرایی یا بینش صحیح، بیگانه بودن این راه ملیان و چپ گرایی را از راه اصلی ملی اعلام داشته و مبارزه خود را با آنان ادامه داده اند.

بنا به تمام ملاحظاتی که در بالا آمد تصور ما این است که وظیفه اخلاقی و ملی آن عناصر و تعالیاتی از جبهه ملی که به راه صدفی وفادار مانده اند اینست که ضرورت های تاریخی مرحله فعلی را درک کرده و بجای زنده کردن اختلافات سنتی بین خود که کوچکترین دلچسپی را نه در بین جوانان و نه در بین سالندان ملی ایران بر نمی انگیزد آن جناحی از جبهه ملی و نیروهای ملی را تفهیم کنند و خود در محاسبات

استبداد به امر محمد علی شاه قاجار با عده ای دیگر از آرازی خواهان به ارومیه تبعید شد. مدتی را باز در یازم در معاشرت و معاشرت دوست هم شهرت میوزا محمد خان تهرانی به مطالعه و تحقیق گذراند. از آنجا به سوی شیراز رفت و در شهر ایروان دست به انتشار روزنامه "مسئور اسرائیل" در مهاجرت زد و شماره از آنرا بیرون داد و از آن جا برای ادامه مبارزه در خفیس و سیمتر به طرف ترکیه حرکت کرد. در استانبول با مساعدت جمعی از ایرانیان روزنامه "سروش" را در آنجا شروع کرد. شماره از این روزنامه بیرون آمده بود که مجاهدین تهران را فتح کردند. دهخدا از تهران و از کرمان به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. بقیه در صفحه ۴

کردن و متشکل کردن آنها کمک کنند که در شکل ترین مرحله آرمایش تاریخی سال ۱۳۵۷ با انبام گرفتن از آرمانهای ملی که صدفی ظنیر آن بود دچار حصادی با صره نشده و روشن بینی سیاسی و اجتماعی خود را از دست نداد و با نیت علیرقم تصادم مشکلات بیچاره ملی را همچنان برافراشته نگاه دارد.

اعتبار و ارزش عناصر و شخصیتها جبهه ملی به اسم و رسم آنها و سابقه شرکت آنها در این مبارزات آن سازمان با داشتن این سابقه آن مسکولیت در آن سازمان نمیشاند بلکه اعتبار هر کدام از آنها تنها با این معیار سنجیده میشود که تا چه اندازه توانسته اند در انتخاب موضوع گیری های خود روشن بینی سیاسی نشان بدهند و راه مستقیم ملی منحرف نشوند. روشن است که افراد و شخصیت هایی که در این اوضاع بلبلشو و در این طوفان و هیجان سیاسی که چشم و گوش بسیاری را بسته بود تسلیم خصای با صره نقد بدایک بتدریج بر تمام مبارزان سیاسی آشکارتر میشود و اتحاد و وحدت نظر آنان از این جهت بر ارزش و کزانیها است که خواهند توانست با شبکه سابقه جبهه ملی حاضرین بین مرحله جبهه ملی و مرحله ملی مبارزات ملی بر قرار سازند.

آزادی مردم ایران جز در سایه استقلال ایران میسر نیست

### دهخدا

دعوت و انتخاب مردم را با رصدا پذیرفت ، اما این مرد شبر هوش و بارین اندیس بسیار زود بسسه حسابگری و دوروشی بسیاری از زما که در آن سیاست باز کرده بودند بی برد و زود فهمید که کلمات آزادی ، قانون ، مساوات بهانه های درزی و اشغال مقام موهبوع شناسان شده است . شرطه های که با خون مردم گرسنه و محنتت کشیده های ایران به دست آمده بود گاو شیر ده ضنی سفسطه بار گردید . جلادان دوره استبداد به امارت و وزارت رسیده ، دشمنان شرطه هر بار بار مشروطه خواه تر از مشروطه خواهان نده استند معنی از دست مردمان وضع خواهد به دست نموده بازان چوب زبان افتاده . جاننازی و تدابیر ستار حان و هفتکارش ماهه ناس و آب مثنی دغل باز و منفعت جو ، دهخدا با ادراک این دگرگونهای غیر منتظره و دور از وجدان در یکی از نطق های خود جمله معروف " محمد الله آقايان و بزرگان مملکت همه به مشروطه خود رسیدند " را بکار برد و در گنجینه ضرب العثل ایرانی بطور ابدی نقش کردیم از همکاری بسا فرهنگاران هملا گناره گرفت و برای ابراهه مبارزه شرافتمندانه و احقای حقوق مردم مظلوم و ضعیف کمر همت را در خدمات فرهنگس کشور بر میان بست و مبارزه سیاسی را با طمی نیز بر صحنه کارش اهم از علمی و ادبی حاودانه بر نشاند . دهخدا نه تنها ، میلوف ، محقق ، شاعر ، روزنامه نگار و در مرتبه ای عالی و عالی زبان شناس و عالم فقه اللغه است ، در میان ارباب معرفت کشور ایران که کم نیستند باز یکی از بکها باشد بلست او در فرهنگ عظیمش به دنبال عیب و پهبناور فتنه ساز ژرفنای جستجو و تلاش بگی ار علمای بدین حرف و جدان زبان فارسی و فرهنگ ایرانی بر روی آمده است . در شان اخلاقی بسیار گفت انسانی عالیقدر و شجاع است ، درد و رنج مردم را بسا پیوست و خویش احساس میکند . با گفتار و کردار رفیع و تجلیانه اش

به کمت ضبعی محروم مینتابد و مردم را با انسانیت روبرو می نشاند . آلودگیهای ردهلانس شکم حوارگان و نحس میدهد پیشانی ارجضند و بیعمر هرگز بر آستانه ای فرود نمآید فباهه تا بناتکن همواره و در هر نفس عارف و وارسته تجلی مینماید در روش های سیاسی و اجتماعی خود بلند نادر و فاحس است . از نسانیکه رنت و حارمه عور می کنند بیزاری می جوید . روحی سرکش و صداقت و ایمانسی انده صاف ناپذیر دارد .

امانس در شن حال و حاشیه نهی در تصحیحات و تعلیقات حجت دانشندان فارسی زبان و مستشرقین است . در اشغال و کتم او فلسفه و اندیشه های عمیق به صورت پند و حکمت در تمام صفحات چشم دهن را خیره میسازد . در جایش از چرند و برندش با ظرافت می بچشد : " خدا رفتگان همه را بیامرزند ، خاک برایش خبر ببرد ، در امازای فریض ما ، بهت ملا اینک عی روضه خوار شوخی بود ، حالا نداشته باشد با منم خیی میانه دانست و روش که میدوایت روضه بحدواند یک مقدمه دور درازی می جید ، هر چند بی ادبیست مبهکت : مطلب اینطور حرف هم تر می شود ، در یکی از آید ، مقدمه ها گت بهیچ توجه کردید که چشم و کلا مثل ازرق شامی بی رحم است ، از چشم هر چه و کبیل است باید ترسید . من خودم اگر هیچکس نداند شطرا یکفر میدانید که از همه شرطه تر بودم از روز او به سفارت رفتن ، به ششاه عبدالعظیم رفتن پای پادشاه همراه آقايان به قم رفتن ، اما از همان روز که دستخط از شاه مرحوم گرفتم و گشتند ما وکیل میخواستیم بکدمعه انگار میثقی پند کاسه آب داغ ریختن ب سرم . بکدمعه سی و سه بند بدم به تکان افتاد گفتم بابا نکند ، بعدش خودشان برای خودتان مدعی نقر اشید ، گفتند مرغ یک لنگه دارد از چاهن تا بنیل پرت همه و کین دارن مام باس از بزرگان مان چند تا فرستیم تو محسرس . چند تا عقل دار وکیل شدی ، صاحب دولت شدن چونکه از قدیم گفتن : عقل و دولت مریس

بگذر است . بعد هم اینس وکلای با عقل و دولت گفتن همانطور که خانه خدا جان مستطیع است مجلس هم بعد از این جای نشانی است که لولهننگشان آب میگرد مثل مدشوق السلطنه ، محبوب الدوله عزیزالایاله ، خوشگل حیوت ، فتنه حصور و ملوس انطب و مراد بسه تصویب رساندن قوانین جمعی . ای الشریعه ، صاحب الشریعه ، یارک الشریعه ، ثالثه الاسلام ، همیز و صدیقی العدهب و اسب روسی الدیس و احب المجلسند . و به مردم هم گفتن اگر و ضن پرست و سلطانی بکشد اشاه الله مبارک است . تازه کاسب بازار فهمید پیچاره ملا اینک علی حق داشت از همان این فهمیده بود که سلطنتش از آن بالا ترست که بسه قانون عمل کند . " با آنکه بیغنا " در تصور مرحوم دهخدا از مجلس خیرگان و لولهننگ الشریعه های کنگره هرگز نمی گنجد معیندا درد ملا و این الوقت ها را درست مشدل امروز با تمام وجود بر احساس کرده به جان زار مردمش در هر مصرع شعر از اشعارش گویسته است .

دهخدا از مردم ایران میبسم و الهام بخش همان مردم است ، انسانی است اشده اندزه ، از استبداد و زور دران قاجار و حکومت سالوس آخوندهای بیبدین و دروغ زن درباری خلاص نشده گرفتار ظلم و فشار دیکتاتوری خاندان پهلوی می شود .

زندگی شرافتمندانه و انسانس حراسر درد و فقر و رنج است ، پس از جنگ او شعیدی ، پس از جنگ دوم منصوب و محکوم به خانه شین است . مملکتش ، مردمش زیر فشار و احتیاق نفسی به نام زندگی میکنند . در جامعه ای زبیب دارد کسه اساس آن بر بندگی و هتک شرف انسانی گذاشته شده است . اصل قانون جنگ نامی از قدرت به شک و محنتناکی در آن رایج ، فساد و فشار همه جانبه باعث حرمان اکثریت مردم زحمتکش کشور است . حیا و شرم از میان برداشته شده ، قبح از بزم و تجاوز از میان رفته ، دوروشی ، نادوستی جای صروت و انساد و سنن را گرفته است . در چنین جامعه ای دهخدا برای

دوروش و امروز فرهاد میزند : من از این شرع بازاران رها بخش زکوة افکن بقی را جای در محراب و بر منبر نمیخواهم ترا ای از خدا و مردمی برکتسته بازگان به اجل جز به آتش سوختن کفیسر نمیخواهم جو بر عشق است و بس بنیان و بیخ ز پایه مثنی جدان و جنگ و حروبش جو و خر در وام شوکت این و مریدت آنرا جهانی غرق خاک و خون به بحر و بر نمیخواهم زخون شو جوانان و رخواب دل پیرا خسان و انقل برخوان یاده در رسانو نمیخواهم بنام نوع برور چند تن چند کیزد پگر را حرمان ماه تاریخ را ز بر نمیخواهم عراباری خیر و جنگ آهرمن ز دین بود از اسرا جنگ بزدان باوری شرت نمیخوانی مرا با نام دین و مردمی بغرفتن تنی بگردن بندگی را بیوع در آحر نمیخوانی نوای بند جهان است اینک از حلقوم من خیزد رخ زرد و دل خونین و چشمش نمیخوانی اگر خرد سیر کرد و ناست و حکم اندم و اختر من این گردون ، من این انجم ، من این اختر نعره ای

دهخدا لحظه ای از تلاش در راه سعادت و نیکبختی و سرفرازای مردم خودش باز نایستاد . این آزاد مرد باشوکت در نهضت انقلابی صدق شور جوانی از سر گرفت . خانه را خالی از اهل بسیار و بر دل لبر از آرزویش بار دگر خوشبختی و سربلندی ایران و ایران را نهد داد و عاقل از آنکسه اهریس بد شرف شیبختی بس رحمانه برای فرزندان آهرمزدا تدارک دیده است . این شیخون بیکاره خانه ، امید این مرد خردمند را بران ساحت و بهشت را خم کرده در دیر تا آستانه مرگ رگهایش را از هم گسیخت با اند و اهراسی محنت زده نفسهای واپسین را بر آورد . شکه مرگش از عصمت یک زندگی کشر نبود ، چنازه اش جباران را به وحشت انداخت دولت دهشت زده مشایعت بسر اهران تحریم کرد اما صاحبان و بچه در صحنه ۵

## بایوستن به نهضت مقاومت ملی

# دهخدا

فنا سه چاکبها بر این خناره اشک  
 باریدند ، به گفته استاد بزرگوار  
 محمد معین : کسانی را کسسه  
 او دوست میداشت و زندگیش  
 را سخاوتمندانه در راه آنها  
 صرف کرد بر مرکب زاری و سوگواری  
 کردند . کتابخانه پر درو گهرش  
 راه ملت ایران بخشید و جمع  
 آوری و تدوین کارش را به چسبده  
 شاکرد صدیق ، دانشمند و رفیق  
 امین محمد معین گذاشت و  
 عشق و احترامش را در دل مردم  
 ایران ابدی ساخت .  
 اندر همه ده جوی نه ما را  
 ما لاف زنان که دهخدا هم

در خانه لازم میآید چند  
 کلام درباره فرهنگ دهخدا  
 که یکی از مهمترین گوشه‌های  
 ثمر این مرد بزرگ است بگوئیم .  
 فرهنگ بالغ بر ۲۰ جلد دهخدا  
 محمول مطالعات ، کتابشناسی  
 مداوم و اراده ، خستگی ناپذیر  
 جهل و پنجسال عمر استاد است  
 علامه در اینصورت حاصل بسیار  
 عمر خود چهار میلیون فیض از روی  
 متین معتبر استادان نظم و نشر  
 دوزبان فارسی و عربی ، لغت  
 نامه های چاپی ، خطی و کتب  
 تاریخ ، جغرافیا ، علوم صلب ،  
 هیئت و نجوم ، حکمت و ریاضی  
 کلام و فقه با دقت و مطالعه فراهم  
 آورد . این چهار میلیون فیض را  
 اساس و پایه فرهنگ عظیم خود  
 قرار داد .

پس از مرگ دهخدا ، اسناد  
 لویی ماسینیون مستشرق معروف  
 جهانی استاد کلژ دو فرانسیس  
 یکی از اختراعات فرانسه و فرانسویا  
 در یادروزی که بر اسناد گذاشت  
 مقامه ای از او با " دیدرومینسو"  
 و دائرة المعارف نهی فرانسه  
 در قرن هجدهم بعمل آورد و  
 چنین گفت : " تیسر و توفیقی  
 دهخدا در کار اینچنین مول  
 آما از حکمار فرانسیس شکست  
 انگیزتر است زیرا دهخدا با  
 شکلاتی دست به گریبان بوده است  
 که آنها بر " دیدرومینسو " بیگانه  
 بوده اند . بر این گفته افزود :  
 " خوشحال من که حضور این  
 مرد بزرگ که از مفاخر است ادراک

کردم و پس از ظروف و زیارت خانه  
 و کتابخانه اش و ملاحظه فیضهای  
 که بدین سر کبیچه بازید آنها  
 به آخر نمیرسد آستینهای او را  
 بوسیدم "

هرگز نمیرد آنکه دانش زنده شده  
 عشق  
 نیت است در جریده عالم دوام ما

# جاسوسی

احداری خود هستند با دین  
 تازه دشمن وقتی از راه شکست  
 و ناچاری به این دین گسردن  
 می نهادند مورد مواظبت و مراقبت  
 سلطنتان قرار میگرفتند تا صاف  
 دست به اختراق بین سلطنتان  
 زنند و صفوف آنها را از هم  
 بشکافند هرگز برای اختلاف سلیقه  
 و نظر کسی را حناقی نخواندند و  
 صلحان سلطنتان دیگر را به گلوله  
 نیستند است . غیر از یزید یسمن  
 مدیحه که حسین بن علی را به  
 تبهت غیر سلطنتی و خروج امیر  
 المومنین کشت و مدیحه که علی  
 را ثامر حواد و صید او را واجب  
 نمود ما نمونه دیگری می شناسیم  
 علی با ابوبکر و دو خلیفه دیگر  
 همکاری اداری داشت و به دین  
 اختلاف نظر آنها را مناقی و کافر  
 ندانست و هرگز در صدد قتل  
 آنها بر نیامد . روی چه حساب  
 و با کدام معیار مدعی است  
 که هزاران جوان که خود راست  
 میخوانند و میدانند بدست  
 جلادان خمینی بعنوان منافق  
 کشته میشوند و روحانیان دیندار  
 و روشن ضمیر دستور جهاد بر  
 علیه این گروه شهادت که عمده بر  
 سر نهاده و خود را علوی می  
 خوانند نمیدهند .

خمینی و شرکایش تمام معاصد  
 و محاسن انسانی را در کشور  
 که مردانگی ، گذشت ، اراداری ،  
 تحمل ، یاری و مددکاری جزو  
 سنت فزون اجتنابش بوده است  
 با کلمات الله و لا اله الا الله محو  
 نابود کردند . رحم و مروت را در  
 روح مردم بی خیر و زود بساور  
 کشتند . حیوانات را به آدم کشی  
 جباول و دروغ ورها کشانند و  
 جنان رزاش و دناشت را رایج

بعده در صفحه ۷

# سنجش هیانی فکری . . .

مانیفست ، تنها کسانی به همگامی  
 فرا خوانده می شوند که از جمله  
 در آرزوها مشترک باشند . . . و این  
 معنی در مقامیسه با آنچه در مقدمه  
 می خوانیم که می گوید : " متحد  
 کردن " نیروهای ملی ایران . . .  
 برای همه ایرانیان مهین برست  
 نخستین اوبیت بوده است ، این  
 اندیشه را نشاء از میبند که کها  
 نیروهای می محدود به کسانی  
 است که بهروزی ملت ایران را در  
 تدویم راه گذشته ( بی کم و بیش )  
 می بینند و این نیروها لاجرم  
 باید آرومی مشترکشان مبتنی بر  
 پذیرش همان راه باشد . چنین  
 طرز تفکری اگر نه به تعصب آمیخته  
 باشد ، بدو راه آزاد اندیشی  
 نیست ؟

مانیفست در نهالی سخن  
 میگوید : " . . . بر چیدن دستگاه  
 استبداد آخوندی . . . و برقراری  
 " درباره " و نظم و انضباط و قانون  
 و یگانگی ملی . . . نخستین مراحل  
 رسیدن باین هدف است " و بدین  
 سال پذیرش این مثر را العا  
 میبند که گها در دوران رژیم  
 گذشته ، در کشور ما انضباط ، قانون  
 و یگانگی ملی وجود داشته است .

اگر امنیت را بپرستن جامعه  
 از راهزنان و دزدان مسلح  
 و همانند اینها بدانیم ، البته  
 باید تصدیق کرد که آفاهان حق  
 دارند . در آنروزگار می توانستی  
 در سراسر ایران بهر کجا که  
 می خواستی ، بی دهندهی خاطر  
 سفر کنی ، تنها حتی با یک  
 دوچرخه ، اما ، اگر امنیت را در  
 گسترده ترین معنی خود در نظر  
 بگیریم ، یعنی قضای ، امنیتی در  
 برابر تبعیض ، امنیت در برابری  
 تجاوز ارزش های دروین و منزلتها  
 تعمیلی و کاذب . . . آنگاه  
 ناگزیر از پذیرش این داور می خواهیم  
 بود که درین معنی در کشور ما  
 ایمنی حضور نداشت .

اگر قانون را مجموعه احکامی  
 بدانیم که گروه ویژه ای به سود  
 خویش نهاده اند و آن گروه نیز  
 براساسی نه برگزیده می مردم بودند  
 و نه " درد آشنا " و آنگاه باید  
 بقیه در صفحه ۶

بر راست و با این نهد که مانیفست  
 یاد شده مورد پذیرش نخستین  
 اجلاس هیی جنبش مد کمر موار گرفته  
 است بدین قرار :  
 در مقدمه آمده است که آنچه  
 میخوانیم مقدمه ای است بر  
 مانیفست " گروهی از ستگران " که  
 به تصویب جنبش متحد نیروهای  
 ملی ایران رسیده است و با عنوان  
 " هیاتی فکری " منتشر میشود .

از این یادآوری وهم چنین  
 از خبری که در این زمینه منتشر  
 گردیده میتوان دانست که اصولاً  
 مانیفست مورد سنجش از آن " گروهی  
 متفکر " است و چنین در اجلاسهای  
 که مرکب از ۳۱ گروه بوده است ،  
 بآن صحنه نهاده ولی نامی از  
 صاحبان مانیفست در میان نیست  
 و هیئت آن هنوز در تاریکی و  
 ابهام ناشناختگی باقیست .

۱۲ . بهر صورت از آنجا که مقدمه ای  
 بعنوان نخستین اعلامیه ای  
 " " را داراست و بر ار آنجست  
 که : " نیز مضمون مانیفست را به  
 تصویب شرکت کنندگان در اجلاس  
 رسانیده است ، لاجرم ما آنرا  
 همچون مانیفست جنبش نمایی  
 میبیم و در همین زمینه آنرا  
 می سنجیم و از سوی دیگر در سنجش  
 خود ، مقدمه را از اصل مانیفست  
 جدا میگیریم .

در " هیاتی فکری " می خوانیم که :  
 انقلاب اسلامی . . . یک گسستگی  
 تا بعد آور در میرست ایسران ،  
 در راه نوسازی و توسعه و بهروزی  
 است . . . هدف ما ، بازسازی  
 ایران و اداهای حرکت ملت بسوی  
 پیشرفت و رفاه است که از سال ۵۲  
 متوقف شده است ، با افرادی که  
 در حقوق ، برابر و در آرزوها  
 مشترک باشند . . .

بکنینان می بومیم که از یکسو ،  
 جهت گیری و مسیر حرکت مشخص  
 که در سال ۱۳۵۷ متوقف گردیده  
 بدین پذیرش هیچ اکثریت بود بگری  
 و بدین پذیرش هیچ بعد تازه ای ،  
 بهشوار مسرودرست ارائه شده و  
 از سوی دیگر ، در زمینه اتحاد  
 نیروها برای تحقق برنامه "

# صفوف مبارزات ملی را تقویت کنید

### سنجشی از میانی

بید بريم که فواصی مودعه بندون  
 حضور آزادی فقط " نام" اند و نه  
 " معنی". اگر یگانگی ملی را در  
 خاموشی هرگونه باشد اعتراض بیشتر  
 گو آنکه این خاموشی بهر معنی  
 تحصیل شده باشد خود بدست  
 شما است اما هرگاه یگانگی ملی  
 را در عشق به سباهای خودی ،  
 در عشق به استقلال و آزادی و  
 تعامیت خانهای خویش و یکپارچگی  
 در برابر دشمن این نهادها  
 و مرد و بوم حسود کنیم ، بیازی  
 با استقلال ندارد که آرمون انفجار  
 ۱۳۵۷ نشانمان داد که پیکانه  
 نبودیم و حتی در برابر آن پورس  
 ایران بر انداز با ماهیم بنیادی  
 استقلال و آزادی نه توده‌ی مردم  
 که با اصطلاح روشنفکرانمان نیز  
 بیگانه بودند و عاهد هرگونه  
 حور تشخص درست و نهی ار هر  
 گونه ماهی فکری . نیز تجربه‌ی  
 دوران رژیم آخیزها بر روشنی  
 آشکار ساخت که در سوزان شریس  
 جهنم شکنجه و کشتار ، چگونه مردم  
 ما و تاجه پایه چندان گانه بودند و نه  
 یگانه . از تجربه‌ی این پوسه‌ی برای  
 درهم شکستن ماهیم آخیزدی  
 نگوئیم بهتر است ، اشاره کنیم و  
 بگذریم که " نظم " چنانی چیهوای  
 از یگانگی را القا میکرد و گرنه در  
 بطن جامعه‌ی ما از یگانگی بسر  
 خاسته از آگاهی ملی خبری در  
 میان نبود ، نیز یاد آور شهیم که  
 در بین یگانگی هرگز گروه‌های  
 نرورست بین المللی جهان وطن  
 و دنباله روانی را که از سر  
 جاذبه های کادربش به شمشیر  
 مغزی خود دادند ، در دیده  
 نداریم اما معتقدیم که جراحی  
 این جامعه‌ی دروین را باید در  
 شیوه های سیاسی و فرهنگی هم  
 دوران جستجو کرده و در بین  
 جستجو ، ما نیز از شما می خواهیم  
 که : " از برابر مسائل " بگذریم .

مانهفت ، اصول فکری خود را  
 در چهار اصل همان میدارد :

۱ - آزادی خواهی که آنرا  
 روح توحید طبقاتی و جنسی و  
 نژادی و عقیدتی ، ، معنی میکند .  
 و این معنی در معایبه با بندسه  
 برنامه‌ی پیشنهاده‌ی و نیز آنچه  
 در آغاز گفتم باید سازگاری

دانشه با... که جایی حسود بر  
 در میان نسام اقتصادی از حفظ  
 حقوق تولید کننده و مصرف کننده و  
 کنترل صنایع استراتژیکه توسعه  
 دولت " سخن در میان است ، در  
 حالی که برخی از ملین ، رفیع  
 نهیص ضیعتی را تنها در کروز  
 اعمال چنان مکانیم هسای  
 اقتصادی می دانند که همسوی  
 رشته های تولید در کشور دولت  
 باشد و دیگر سخن از آنتروپونور  
 خصوصی در میان نباشد و پاره ای  
 دیگر که درین طیف ملی جلی  
 دارند هیچیت از دو جد فکری  
 مزبور را نمی بینند و برآند کسه  
 آنتروپونور دولتی و خصوصی هر دو  
 باید هدف شوند و برخی نیز  
 راههای هائمی دیگری را حضور  
 نظر دارند که البته بی همی  
 گفتگوی ، همانند که طرح این  
 طرز تفکرها در اعتماد اینرسی  
 بدوان نادمانندی های فکری  
 باید بطور موقت نهادهل حاصلد ،  
 این حکم بر طرز تفکرهای معکوس  
 آن ( اقتصاد شیران ) نیز باید  
 تاثیر باشد تا بتوان به ماهیم  
 گام رسید .

۲ - ترفی خواهی که در چهار  
 جوب توسعه اقتصادی ، سیاسی ،  
 اجتماعی و فرهنگی معنی شسته  
 است و نیز در میان آن آمده است  
 که : " ... ترفی خواهی ، آرزو و  
 تلاش یک صت برای غلبه بر بسی  
 سواتی و غلب افنادی و رسیدن به  
 دیای فرن بهمن است و ساختن  
 یک جامعه آباد و نرورست و با  
 انسانهای مرفه ."

در این مقوله نیز سخن ایست  
 که آن " حرکت شریف شده " کدام  
 برنامه ها را در جهت " توسعه ی  
 سیاسی و اجتماعی و فرهنگی " دانست  
 که شرف عد ؟ اگر نداشت و یا  
 آنکه نداشت و مقبول نبود چرا بار  
 دیگر مسیر حرکت خود را بسر  
 " آن راه " استوار کنیم و چرا ایس  
 فرصت را از همانا بیشتریم که " آن  
 راه " را بی هیچ غرض و هیچگونه  
 پیش داری بسنجند و راه درست  
 را بیورژینند ؟ بسا گمان که دست  
 مایی به " جهان قرن بیستم را به  
 منق خود براهه و پیش آفرین  
 می شمرند که در این مختصر جایی  
 برای طرح اندیشه آنان نهمودر  
 نتیجه ارسنایی سزای آنان نیز  
 میسر نیست ، اما بید بريم که

همان این گروه ها نیز بی گمان  
 بسپارند کسانی که با استقلال و  
 آزادی پای بندند و نهاد های  
 فرهنگی ایران را ساینر و نحسین  
 صینند و حلقی با دشمنان ایران  
 دشمن اند و لاجرم از نیروهای  
 بالابوی ملی هستند . همچنین  
 بسپارند تمام که توسعه  
 " راه فیزیکی " را که هدف بسی  
 از شهرهای فرن بیسم است ، بر  
 انسان ، " گانی " نمی دانند و بر  
 آند که بر اینگونه برنامه های  
 توسعه که الگوی بیگانه دارد ، رض  
 تطبیق میدی ، باید ایستاد  
 تازه او افزود ، در حور حال انسان  
 که در برنامه های توسعه‌ی گذشته  
 نه تنها اثری از آنها نبود ، بلکه  
 آبه بود ، بید آور ارزش هائی  
 به دور از دای انسان بود که  
 آثاری کاذب را بر جای مینهاد و  
 الگوهای تنهی از معنی را به مردم  
 ما و بهره نه حواس ما انگاش  
 می کرد که یکی از نتایج آن  
 گرایش های نادرست آنان به  
 آرماسپان غیر ملی و اوانس های  
 سرجاسه از سجودی و بیگانگی با  
 خیر بود .

۳ - عدالت اجتماعی از دیگر  
 مبانی فکری ارائه شده است که بنا  
 این عبارت معنی شده است :  
 " عدالت اجتماعی به معنای  
 " سیاستهای " گفته می شود که  
 هدف آن فرصت دادن به افراد  
 و نه دلیل نابرابریهای اجتماعی  
 و حمایت از معرومان و ناموس  
 آینده افراد است ."

در این معنی ، که ذات عدالت  
 " مجموعه‌ی سیاست ها " گرفته شده  
 است ، دلیل این هدف که به افراد  
 فرصت برابر داده شود ، نوعی  
 سیاست اقتصاد آزاد و در عین  
 حال کنترل شونده راعتیبادر  
 به نهی می شد که بار دیگر  
 گروههای را که هم از میون اند  
 و هم سلیقه‌ی دیگری درین زمینه  
 دارند ، اندیشناک می کشید ،  
 آیا مقدمه‌ی مانعست که ملائنگوی  
 گروههای اینرسیون است که  
 در گرد آورن گروهها کامیاب  
 نبوده و احتمالاً " موجب  
 برانگیزی بیشتر را فراهم کرد مانند  
 با توجه به چنین " مبانی فکری " ،  
 خود را در زمره مدافع شومگان  
 می نمایند ؟ وقتی از " حمایت  
 معرومان " می گوئیم نشان آن نیست

که در آن جامعه‌ی آرزوی خود  
 باز هم " معرومانی " حضور خواهند  
 داشت که لاجرم باید " مصایب  
 شوند ؟ و درین زمینه سخن  
 اینست که اگر " ارتقای انسان " را  
 بطور همه جانبه در دیده داریم  
 دیگر نمی توانیم از هدف " صدقه " و  
 خیرات و مبرات که همانا  
 جدی اصل " تحفیر انسان " است  
 صرف نظر نمائیم ، و پرستر اینست که  
 چگونه در بحث عدالت اجتماعی  
 می توانیم از " دادگری " بگوئیم  
 در حالی که سبکین ترین ستم  
 را به هموطن خود و در مقام اسن  
 روا میداریم ؟

بید بريم که هرگز یک برنامه‌ی  
 اقتصادی بدون تکیه گاه فلسفی  
 و اجتماعی بهیچ روشی نوانسد  
 حامن سبب بحثی انسان باشد ،  
 برداشت ما از " مبانی فکری "  
 ارائه شده اینست که در مجموع  
 تدوین سدگان اندیهمند ، یعنی  
 ارائه به مبانی و سباهای ذات  
 انسان و جامعه‌ی انسانی  
 بیندیشند ، به اعتبار تخصصی و  
 تجربه‌ی خود در زمینه " توسعه‌ی  
 اقتصادی " حل مشک را بار دیگر  
 در همین قلمرو دیده اند ،

۴ - ناسیونالیسم نیز که  
 بعنوان تجلی اراده‌ی ملت  
 به حفظ حقوق و هویت خود  
 خوانده شده است بگو دیگر  
 از مبانی فکری است . درین باب  
 معنای ارائه شده چندان محدود  
 و مبهم است که اگر هم آنرا  
 از ناسیونالیسم برخاشگر و متجاوز  
 متمایز کنیم ، بار حایس برای  
 سبج نخواهد داشت ، زیرا  
 بدو از انصاف می دانیم که  
 تعبیرات خود را ازین مفهوم  
 پایه‌ی دآوری قرار دهیم و بهیچ  
 رو تا زمانی که درین باب توضیح  
 مشبع و گامی بدستان نرسیده ، از  
 سخن آن خودداری می کنیم .

بر پایه‌ی اصول چهار گانه‌ی  
 یاد شده ، یک برنامه‌ی سه  
 ماده‌ای نیز ارائه شده است که  
 در آن " شکل حکومت " حانشین  
 بطور قاطع " مشروعه‌ی سلطنتی "  
 گرفته شده است . درینجا بسیار  
 دیگر مشکل گرد آور گروهها ای  
 ملی در یک ایستایی معسوع  
 میشود که درین باره چسه در

## دستیابی به استقلال با تضمین آزادی

### جاسوسی

کرده اند که سالها برای تصفیه اخلاق وقت لازم است. مردم جاهل را به اسم الله و دین اسلام صخ و سلطنتی بدل به کشتارگاه شده است در یک کلام آخوندها از هیچ وسیله برای تخریب صفات حسنه که انسان بدان سبب بر مردانگان شرف دارد، دریغ ندارند. آنچه بیش از همه شبح انگیز می باشد دستور رسمی خمینی به نام دین اسلام برای جاسوسی است که بطرز بیشرمانه از حد گذاشتن خبر چین چین آشنایان، همسایگان در گذشته، چشم و گوشهای خبرچینان تشویق و ترغیب شده را در خانواده ها گمارده در هر خانه و هر فامیل چشم و گوشی غماز مامور تمیز مومن به امام وضد امام است مسلماتین جاسوسی که بدهد بهشت و حشر انه اظهار را دارد کسی است که فرد یا افراد مخالف خمینی را در خارج یا داخل کسستان خودش کشف و همچون دشمن خداوند به کینه، معل خود معرفی نماید. وقاحت را به خاکسبی رسانیده که با افتخار و سربلندی از جاسوسی مادری درباره پسرش بر خود میباید. منتظر است که درجه ارادت به او در مقامیت که مادری فرزند ناخلف و نسا سلمان خود را در معبد امام الله قربانی کرده است عاقل از اینکه چنین مادری اگر وجود خارج از ذهن پا اندازان امام

داشته باشد، نه با حدس فوی از درویشهای بزرگ خمینی و شرکاء است. هر خواننده ای مادری چنانی را دیوانه، بدبخت، قابل ترحم میداند و عمل او را جز در یکی از موارد بحرانی جنون حمل به هیچ چیز دیگری نخواهد کرد، زیرا حیوانیم جان خود را عرضه گلوله شکارچی میکند که مرزندش از خضر مومن بماند، تا جاییکه مشاهده افتاده چنین جانوری که مرزند خود را تحویل جلا دهد دیده و شنیده نشده است. این نیزاهانتی دیگر از طرف این نمایان روسی به مقام زن و مادر است همانطور که به اسلام و پیامبر اسلام با بسکنی قوانین ظلم و نامردانه خرد هزاران تهمت زده و حتی جاسوسی را امر اسلامی و حدیث به اسلام معرفی میکنند و حان آنکه مورخین و محققین اسلامی گفته اند که اختراع چشم و گوش برای شناختن مخالفین شخصی معاهده در دوره خلافت او به ابتکار شخص خلیفه فرزند ابوسفیان بوده است که دستگاه عظیم پلیس خفیه خود را با بودجه ای بی گراف از بیت المال تحت ریاست " ثابت بن ارضاء" در دمشق ایجاد کرد و ثابت عمده کثیری را به اسم چشم و گوش خلیفه به تمام ممالک متصرفی فرستاد تا گذشته و حال آنها را که مورد سوءظن معاهده بودند تحقیق و به نی ارضاء گزارش دهند و بسیاری از دشمنان معاهده به دست همین شبکه از بین رفتند از جمله عایشه همسر پیغمبر

ام المومنین، بهر صورت ترم ساجه هزار مرتبه از خمینی جاسوس بود و به سبب هوش و درایت فباخت عمل خود را بی شناخت هرگز از پلیس سپاسیش و نهانی نسر کسی حرف نمیزد و اعمال جاسوس چنان خمینی را در بوق و کرتسای جارجیهایی به دنیا خبر میداد. جوانان را نیز از خمین پیروی و کینه خنده گلوله نمیکرد و مادرها نمونه اش را نیز به مردم عرضه نمودند

مطلب آنجاست که معاهده در قرن هفتم از قرون وسطی با مردمی جاهل معناد به ظلم و حیثیت نوانسب نار خود را پیش میبرد و سخط را در جانندان اموی پایه گذارد. خمینی در آخر قرن بیستم در نهانی که مردم به ستارگان سفر میکنند و هر مغز میخواند با اختراع معجز آسهای خود ادعای پیامبری کند و علم دهان این ترهات و ادعاهاراسته است در مملکتی که برای دفع ظلم و آزادی قیام و ضعیف کرده است با صیر و اهرس اندیشی از وجود دروغ با دیوانه یک مادر و درهای خون زن و مرد ایرانی پایه خلافت آرزویی خود را می گذارد.

تغویر نوازی چرخ گردون نغو، ولی مردم این تبلیغات حقیر را به حساب ضعف دستگاه سپاه و اقتصادی مالاها و شکست فاطمع جمهوری اسلامی و بیان گذار آن گذاشته اند. خمینی نفهمیده است که مردم برای دفع فساد، رشوه خواری، بی عدالتی زندان و شکنجه قیام کردند نه برای معجز پرواکنی امام و بر یاد رفتن کشور ایران و برقراری فساد و رشوه خواری آخوندهای حریص و گرسنه که چشم تنگشان را جز خاکی گور چیزی بر نمیکند و نه برای ترویج کردن جانندان خمینی و کشتار بی امان و بی حایفه جوانان بیگناه آنچه صهدا است وحشت دستگاه بی رحم و بی مغز خمینی را بی تاب و توان کرده است و پیغمبر سربخ به پرتگاه نیستی سرازیر می شود و برای بقای خود هر چه بیشتر دست به جنایات در از باور میزند. مالاها که پسر از فسرون به آرزوی بقای خود رسیده اند چاره را، در کشتار و در زندان

در رجز و تشبیه و در تحقیر مردمی که با جنت و دستان می جنگند، دیده اند و بیرون کش از اینهمه نعمت و ثروت در تصرف آنها معان میباید دست و پا میزنند تا با سر بریدن، داغ کردن دسته جمعی به دار آویختن مردم را مرعوب کرده بر تحت قدرت هم چنان باقی بمانند ولی ایس حالت نزع است و امید به بعسا، بیخ دیگر نه است تصاح که حضرت بی سرونه امام و نه پیغمبر کفاری جاسوس را از ایس نهضت برد و اینهمه، حکومت خمینی را امتحان نمودند و با برقراری چشم و گوش در هر خانه که زائیده هر قدرت بیگانه است هزار نفر با ده هزار نفر دیگر را میتوان کشت ولی در هر کشتار ستونی از قدرت فسو و صریز و نفرت مردم نسبت به ایس عمل خارجی و بیگانه به فصا و صفای ایران بیشتر میشود. تاریخ شاهد زنده است که حسز حکومت از عمر خودی دنبال جاسوس کاری نبوده اند. معاهده ایوسفیان به جاسوس و ساز زمان جاسوسی نیاز داشت تا حاکمیت بیگانه خود را بر سر زمین های اشغالی تحویل کند. لیکن و استالین به دستگاه جاسوسی نیازمند بودند تا صیوی فکسری بیگانه ای را بر سوزیمها و فرهنگهای ضرفی اسدی خود اعمال کنند خبیر نیز مراد حمید تفکرات دیوانه و بیثانه با فلفله و فرهنگ مردم آلمان دستگاه عظیم جاسوسی برقرار کرد، چنین نیازی معاصر حکومت های بیگانه با مردم است " عبت و بپهوده نیست که خمینی هم پای خود را جای پار اسائین ها، هیلرها و معاهده ها میگذارد این معنا که فکر او با مردم ما سازگار نیست در عطن شفته است. خمینی، دستگاه خمینی، افکسار پوسیده و کینه خمینی و عاالش با مردم ما، آب و هوای ما، فلسفه و معده ما بیگانه است.

استقبال عمومندان موجب گردید که نیراز را بالا ببرم ولی باز عده ای از نمایندگان به کمبود آن اعتراض دارند خواهش می کنیم برای شماره آهینده تعداد مورد احتیاج را اعلام دارند

### سنجشی از مبانی فکری

مقاله " جمهوری یا سلطنت" وجه در " نقدی بر " راه مای رکن احمد مدنی نظرات خود را آورده و از تکرار منطقی خود چشم می پوشم با این یادآوری که مانیست، مبانی فکری و برنامه های خود را برای دوران بعد از فاشیسم مذهبی پیشنهاد نموده است و در زمینه بر اندازی که افزار آن انگیزش نیرهای طسی به اتحاد در این سون یعنی در دوران فعلی است، هیچگونه سبستی را مطرح نساخته است

و هرگاه این دوران را که بطرف فاطح یکی دنباله دیگری است، در پیوند با یکدیگر در نظر آوریم، آنگاه مشکل برخاسته از برنامه ای ارائه شده آشکار می گردد.

نسبت به سایر مواد برنامه چیزی نمی گوئیم که ما بر آنیم هر برنامه ای اقتصادی حاجتغسی لاجرم باید با مشارکت سرشار از شور و شوق راستین مردم به تصویب مردم برسد. از سراسر مسائل، چنان مسائلی که در آینده نیز پیروز و داریم، نگریزم.

### نامه‌های ...

برنامه هاشی که از این "جبهه جهان نما" بخش میشود عبارت است از دروسهای کثیف و تهیج آور تبلیغاتی و روضه و زوزه و بیستم و کثافت و از این قبیل. حیایانها و گذرگاههای عمومی تهران بمنزله از ۱۳ ماه است که در تاریکی مطلق فرورفته است، بعدنی از همان زمانی که این جنف نعدتسی آغاز شد و بعدنوان یک تدبیرسر امنیتی تصمیم به خاموش نگاهداشتن چراغها در شب گرفتند. از حدود ساعت ۸ شب دیگر همه جیسا خلوت میشود و مردم به خانه‌هایشان میروند تا خود را برای گذراندن یک فردای خسته کننده و زجر آور دیگر در صف‌های مواد غذایی و بنزین و غیره آماده نمایند. دیگر مطلقاً از آن شور و حیات و تحرک چند سال پیش که تا پاسی از نیمه شب ادامه می یافت اثری نیست جز حاضره ای زیبا و مهم. اکنون دیگر تفریح (۱) هر شب ما و اکثر مردم اینست که ساعات فراغتشان را صرف گوش کردن به احبیبسار رادیوهای خارجی یا مطالعه کتاب و نوشتن نامه و یا تفکر به آینده برابهایی نتائم که فرا رویمان گسترده است. با ایمن اوصاف تو برادر خوش بینیم میخواهی که همچونان به آینده امیدوار باشیم. بلکه درست است که پایان شب سه سبید است و این صبح لا جرم روزی به پایان خواهد رسید، ولیکی اگر این شب تاریکد سال دیگر هم دوام آید چه ؟ آتوف دیگر نه از تان اثری خواهد ماند و نه از تان نشان !

بگذریم که درد دل همسایر است و نتیجه ای جز آرزوگسی شونده ندارد، اما اگر سختم را با برادرم در میان نگذارم بسا که بگیم ۱۲

چون از من خواسته‌ای که ترا بهتر از پیش در جریان اخبار و رخدادهای ایران قرار دهم، هر بار سعی خواهم کرد که بکسی دو مورد را با تو باز گیم تا تو بخش از پیش حقایق موجود و غفتر جو حاکم را درک کنی، درستی مانند آنچه که در یکی از نامه‌ها

### اعتراف نوشته بودم .

از پشت پرده خبر میرسد که ۱۳ هزار نفر در فهرست گسائس هستند که در چهارجوب اجرای قانون بازاری شرکت نفت مغرب کتار گذارده خواهند شد و خود مجسم کن که برای کارکنان آن شرکت که نمیدانند رفتنی هستند یا ماندنی چه روحیه‌ای باقی میماند. دوستی که در آنجا کار میکنند برابم تعریف کرد که همین امروز بناسبت آغاز ماه محرم رسماً " برنامه " مرتبه خوانی و سینه زنی " در ضیفه همک ساختمان مرکزی اجرا شده است و شرکت کنندگان عبارت بوده اند از حدود ۲۰۰ نفر از کارمندان دین پایه حزب الهی و کارگرانی دور دیف نظامتی، آبدار باشی و پیشخدمت و البته جمعی از تازه واردانی که برای گرفتن شغل و مقام بالاتر مرتباً در برنامه های نماز و سخنرانی شرکت دارند. کارگردان نیز بطریق اولی آخوندی بوده است با مکرر نفس در دست و صدائی نا هنجار!

با وجودی که طبق شریعت اسلام، پسرها از ۱۵ سالگی نمازشان واجب میشود، چند روزی است که پسرچه های دانش آموز ۱۱ و ۱۲ ساله را هم در مدارس به نماز اجباری میبرند و بدیهی است که این کار وادرها سه ربع ساعتی که برای صرف ناهار کلاس ندارند انجام میدهند و بدین ترتیب فرصتی میدهند تا بچه ها ساند و بچی را که از خانه بهیراه برده اند صرف کنند. در این نماز جماعت هر روز چند جفت کفش بچه ها در خارج از نمازخانه گم میشود ( وقتی یانگ اعتراف مادری بلند شد و مدبر بیست و چند ساعه حزب الهی مدرسه گفت که از بالا دستور داده اند که از حالا و پسرای آمادگی بچه ها را به نصاب اجباری ببرند . . . ( چهار پنج سال آمادگی تا رسیدن به سن شریعی (! ) و این در حالی است که در تعلیمات دینی از یک ساعت در هفته ( که در زمستان کودکی ما بود ) به ۴ تا ۵ ساعت در هفته افزایش یافته است. صبح ها هم صرف حداقل ربع

### از اپوزسیون

از ایستاد

خبر میرسد که اخیراً " کوشش رژیم ملاحا برای اعمال فشار به گروههای مخالف رژیم ملاحا توسط حزب الهی ها افزایش یافته است. مزد و رانی باسم دانشجو در شهرها مختلف اریا مامور مراجعت دانشجویان آواره گردیده اند. اینان که از تهران استخدام و صادر شده اند در مراکز دانشگاهی ایستاد، باریس، سوئد و شهرهای آلمان غربی در تلاشند ولی همه جا با مقاومت شدید دانشجویان روبرو هستند .

از آلمان غربی

آقای سلیمان دره نغسه ی گذشته به آلمان غربی سفر کرد و قصد داشت در چند شهر کشور مریو نفرانسائی برای تبلیغ مسود بنی صدر و رجوع برگذار نماید. طبع حیرت برانگیزه در شهرهای هامبورگ - هاننور کلس با مخالفت جدی روبرو گردید .

صاف بچه ها باید در هوای سرد به نرات قرآن گوش فرا دهند . در و دیوار مدارس نیز که البته بیست پوسترهای آخوندهای زنده و مرد پوینده است . بله ، واقعا درست گفته اند که : " اسال سال حاکمیت حزب اله در مدارس است . "

بار هم از مدارس ابتدائی بگیم . دامنه تغتین عقاید چنان ابعاد هراس انگیزی یافته است که در برخی اردستانها بدین کار کتف آغاز کرده اند که از بچه های خردسال در پاره افکار و عقاید والدینشان و رفتار آنها در خانه سؤال میکنند ، آنها آنها در خانه نماز میخوانند ؟ آیا عکس این و آن را در خانه نصب کرده اند ؟ عقیده آنها در پاره رهبر چیست و چه میگویند ؟ آیا مادرت در خارج از خانه روسری می بندد ؟ پدرت در خانه از چه حزب هاشی نام میبرد ؟ آیا مشروب و ورق در خانه دارید ؟ ... و شوخود حدیث فصل بخسوان از این مجمل .

### ما و خوانندگان

نامه ای از آلمان غربی  
اعتراف به تعطیل دانشگاهها  
و مدارس عالی در ایران  
و مبارکان و اندیشمندان گرامی

اکنون فریب سه سال است که در ایران کنیه موسسات علمی پژوهشی تعطیل و جوانان از کسب علم و معرفت محروم می باشند رژیم آخوندی سعی دارد در دل جوانان ، بحای روشن داشتن مشعل علم و معرفت ، شمع حسد و کینه بکارد و با کونگه داشتن چشم عقلمان آنها را از واقعیتها دور نگه دارد .

این دژ حیمان که هر روز دهها نمر آدم های بیگناه و حتمی خردسالان را بچوخه اعدام می سپارند ، زاده اتحاد کویه ارتجاع سرخ و سیاه میباشند . آنان آمدند تا فرهنگ چندین هزار ساله ما را نابود سازند و شروت ملی ما را به پتیا ببرند . آنان از سوی امپریالیستهای شرق و غرب و شرکتهای چند ملیتی ماموریت دارند تا در ایران با پیشرفت علم و تکنولوژی و هر عاملی که ممکن بماند در صفحه ۹

از پادم رفت که برایت پنجم مدتی است شنیده میشود - و این سخن در برنامه های اخیر " شما و ما " در رادیوی صدای آمریکا مورد تأکید قرار گرفته است - که تعدادی از سران و کارشناسان کپاشی در صفحات خاوری ایران در نزاعی مرزی با افغانستان و در صیحتان و بلوچستان به قطع و قطع مخالفان مشغولند و تعداد آنان به ۱۵۰۰ نفر میرسد . همینطور می شنوم که فلسطینی ها و سوریه‌ها نیز سخت در ارگان انتظامی صاحب نفوذ و قدرند و به پاسداران آموزشها چریکی و جنگی میدهند . بسا شناختی که از اوضاع روز داریم ، بسپار به آسانی باور میکنم که این خبرها درست باشد . آیا امکان جمع برایت میراست ؟ در صورت لزوم میتوانی در پاره این دو مورد با اشاره به شنیده شماره ۱ و ۲ ( به ترتیبی که ذکر شد ) سخن بگویی .

# خبرهای ایران و جهان

بمنظور کسب دانش آمده است :  
ده دانشجوی ایرانی که از عهده  
اشخان رودی بدانشگاه پروچیمای  
ایتالیا برننامه بودند ، پسرای  
آنکه به آنها فرصت مجددی داد  
شود ، دست به اعتصاب زدند  
زند ، این هده در پنجمین روز  
اعتصاب خود به یکی از بیمارستانها  
ایتالیا منتقل شدند .

همین نشریه در تاریخ ۷ نوامبر  
نویسه است : صادرات پاکستان  
به ایران در دو سال گذشته پنج  
برابر شده است . امروز ایران  
دوین خرید از فرآورده های  
پاکستان بشمار میرود . رقم  
صادرات پاکستان به ایران در ۱۹۷۹  
بالغ بر ۴۵ میلیون دلار  
بود در حالیکه این مبلغ در همین  
گذشته به ۲۲۰ میلیون دلار  
رسیده است . در مقابل این ۲۲۰  
میلیون دلار واردات ایران فقط  
عدادل ۲/۵ میلیون دلار کالا  
به پاکستان صادر کرده است  
پاکستان حتی نفتی را که در گذشته  
از ایران می خرید ، اکنون از قبرستان  
سعودی دریافت میکند . . . .

و سکولیس رژیم جمهوری اسلامی نه  
فقط در فکر تصحیح و ترمیم ایمن  
بن تعادلی ناموفقول نیستند ، بلکه  
طی ملاقاتهای اخیرشان با  
سکولیس پاکستانی به این نتیجه  
رسیده اند که حتی میزان خرید  
را از پاکستان بالاتر هم ببرند .  
جمهوری اسلامی قصد دارد نه  
تنها برنج و مواد اولیه را بمیزان  
بیشتر از پاکستان وارد کند ، بلکه  
در صدر است عده ای از ایرانیان  
را برای کارآموزی به آن کشور  
بفرستد و عده ، سهندین پاکستانی  
را برای ترمیم خطوط آهن استخدام  
نماید .

● در تاریخ ۷ نوامبر نشریه  
انگلیسی گاردین و روزنامه های  
فرانسوی فرانس سوار و لوموند خبر  
رود خلیل رضائی را به فرانسه  
داده اند . گاردین در این باره  
منهسد : آقای رضائی که در آغاز  
جمهوری اسلامی با خمینی همکاری  
بسیار نزدیک داشته است ، به  
علاوه یکی از پایه گزاران کمیته  
حقوق بشر در ایران بوده است .

احیرا" به پارسی آمده است تا به  
صف مخالفین رژیم جمهوری اسلامی  
بپیوندد . این نشریه به نقل از  
رضائی منتهسد : خمینی از هیتلر  
دهشتناکتر است در حقیقت  
هیتلرول است مدعی و تنها یک  
نوسل به خونریزی و کشتار قادر  
است موفقیت خود را حفظ کند .

خلیل رضائی به نشریه فرانس  
سوار گفته است : " خبر جبار و  
شدر خمینی از صحنه ایران ،  
برودی به گوی همه خواهد رسید  
" بزودی " ممکن است . ۱۰ ساعت  
آینده باشد یا ۱۰ روز آینده . در  
هر حال این انقاع نه فقط یک  
تحقیق پسر خواهد آمد ، بلکه  
زمان فرا رسیدن آنهم بمسبار  
نزدیک است . "

فرانس سوار می افزاید :  
خلیل رضائی که در دوران گذشته  
چهار پسر را در مبارزه با رژیم  
از دست داده است و خود زندان  
و شکنجه ساوات را چشمیده است  
میگوید : " شاه در تمام طول  
سلطنتش چند صد نفری را کشت  
خمینی ظری چند ماه ده هاهزار  
تن را کشته است . شاه هرگز  
جوان نابالغ کفر از ۱۸ سال رابه  
حوضه اعدام نسپرد ، خمینی  
دخترکان ۱ ساله را به گلوله  
می بندد . "

فرانس سوار اضافه میکند : خلیل  
رضائی در نوفل لوشاتو به دیدار  
خمینی آمد و همراه او به تهران  
بازگشت و به پست های مهم ، از  
جمله نظارت بر نحوه کار وزارت  
دادگستری و ریاست بجهاد پهلوی  
سابق گمارده شد به علاوه از طرف  
خمینی مامور شد با ترکمن های  
مخالف رژیم وارد مذاکرات شود .

رضائی به خبرنگار این نشریه  
گفته است : " من به چشم حسود  
دیدم که روی سینه ، یکی از زندانیا  
خمینی پاسداران کلمات " زنده  
باد خمینی " را با سرخنگی آنس  
سیگار نوشته بودند . من شاهد  
بودم که در زندانها کودکان  
دوازده ساله را ناگزیر میزدند که  
در مراسم اعدام کودکان همسان  
خود شرکت کنند . خود من به

زن حامله را که زیر شکنجه  
فرزندان خود را از دست داده  
بودند به بیمارستان حمل کردم . "

همسر و دیگر افراد خانواده  
رضائی هنوز در ایران پسر میزند  
و طبیعا" مخفی شده اند و زیرا  
همه از طرف رژیم خمینی محکوم  
به مرگند .

رضائی در خانه گفتگوس  
با نشریه فرانس سوار ، از کشور  
فرانسه خواسته است که ملت ایران  
را برای بدست آوردن آزادی  
مباری کند .

● هفته گذشته سفارد با  
سائگرو اشغال سفارت امریکا  
در تهران و گروگانگیری دیپلماتها  
بود . روزنامه هرالد تریبون در  
شماره ۵ نوامبر خود در این باره  
نوشت : روز گذشته در تهران  
چند صد نفری از کودکان دبستانی  
و نوجوانان دبیرستانی را در جلو  
معلی که در گذشته سفارت امریکا  
بود جمع آورده بودند تا با  
شعارهای ضد امریکائی وضسد  
اسرائیلی این سالگرد را جشن  
بگیرند .

نشریه گاردین سردر عمان  
تاریخ به این سئله اشاره کرده  
و نویسه است : " دانشجویان  
که در سال گذشته به سفارت  
امریکا حمله بردند ، اکنون همه  
ساحبیت و مقام هستند . پسر  
از این " دانشجویان " حسین  
شیخ الاسلام زاده است که  
مداومت سیاسی وزارت خارجه را  
بر عهده دارد .

● روزنامه جمهوری اسلامی  
در تهران طی اعلامیه های بسده  
فروشدگان لباسهای زیر زنانه  
دستور داده است که بالای خود  
را در بهترین معازره ها به صورتی  
" غیر اسلامی " و " تحریک آمیز "  
عرضه نکنند )

یکی از نشریات فرانسوی  
( لیبراسیون ) این خبر را چنین  
گزارش کرده است :

مقامات قضائی جمهوری اسلامی  
تصمیم گرفته اند به چند پسر  
جاه های تحریک آمیز برونند .

نامه ای از آلمان عربی  
است از ایران زاین دوری در آمیسا  
بشارد ، مبارزه کنند .

بدینوسیله بعنوان یک معضو  
ایرانی و نماینده کشورهای آسیائی  
در این جامعه جهانی صدای  
اعتراض ایرانیان را نسبت به  
بی تقاضی دون و مردم آزاده جهان  
در مورد آن چه که در سلطنت  
ما میگذرد بگوش شما میرسانیم و  
بعنوان اعتراض نسبت به تعطل  
دانشگاهها و مدارس عالی در ایران  
و محروم کردن جوانان از تحصیل  
علم ، از شرکت در اجلاس  
بزرگترین جامعه علمی جهانی  
خودداری منتهام . باید روزی  
که غم در سراسر جهان برجهالت  
پیروز گردد .  
اصا .

## از نهضت متفاوت ملی ایران

از اعضای حزب سوسیال دموکرات  
سودت خواسته شد که نسبت بسده  
فجایی آورنده ها در ایران سکوت  
نکنند . در جنبه دیگری که در تاریخ  
پنجم نوامبر با حضور سه نفر از  
اعضای کمیته با آقای استن آر و  
قائم مقام بین المللی حزب سوسیال  
دموکرات سوئد در محل دفتر آن  
حزب تشکیل شد در باره اوضاع  
ایران و مواضع نهضت مقاومت ملی  
مذاکراتی صورت گرفت و از آقای  
استن آر و خواسته شد که عملکرد  
و دستیانه و حناپ ، بار عاصیسن  
حکومت را در ایران محکوم نموده و  
بعنوان فرانکسیون بر فسادت  
مجلس نمایندگان سوئد دولت  
سودت را از ادامه سفارتی با  
رژیم آشوبی باز دارند

شایب است که در حال خرید  
نفت از ایران فرار دادهائی با  
دارخانجات و لوبو شرکت آسها  
و دارخانجات اسلحه سازی شرکت  
بجزیر در جریان بوده است .  
هامبرگ

از طرف کمیته نهضت مقاومت  
ملی تلفرانی به صدر اعظم آلمان  
مخابره و ضمن شرح اوضاع ایران  
و کشتار مردم بیگناه از دولت  
آلمان خواسته اند که در مقابل  
فجایع روحانیون هنری سکوت  
ننموده و از کس به رژیم آدم کش  
عزایان ایران خودداری نمایند .

# استبداد داخلی و وابستگی خارجی دوروی یک سکه اند

# اخبار ایران و جهان



## از روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها...

● در دوم نوامبر نشریه انگلیسی دلی تلگراف گزارش داد:

هشت نفر از مخالفان رژیم خمینی (این روزنامه آنان را "جریک‌های چپ‌گرا" می‌نامد) که در شهرستان رشت زندانی بودند، در حین گریختن از زندان دو کارگر کارخانه ای را به‌دوای گروهگان با خود می‌بردند که مانع از تیراندازی پاسداران شوند. طی پاسداران انقلاب اسلامی آنها را به مسلسل می‌زدند و هیر ده نفر هشت زندانی و دو گروهگان را یکجا می‌کشند و بعد اعلام می‌کنند که دو گروهگان "شهبود مسروب‌خواهند شد".

● به علاوه دلی تلگراف در همین شماره با مختصر خبر اعدام ۵۲ نفر دیگر در ۱۱ شهریور مختلف ایران گزارش کرده است.

● تایمز مالی چاپ لندن در تاریخ ۲ نوامبر تحت عنوان:

"اختلاف ایران و جنبش آزادی بخش فلسطین بر سر جنگ خلیج فارس" تیژت - حسین شیخ الاسلام زاده در هفته ای که گذشت در بیروت اظهار داشت که فلسطینی‌ها جنگ عراق را با ایران، جنگ آمریکا علیه جمهوری اسلامی می‌شناسند. نماینده جنبش آزاد بخش فلسطین در لبنان بلافاصله اعلام کرد که گفته‌ها شیخ الاسلام زاده دروغ محسوب است و فلسطینی‌ها در حمایت خود از ملل اسلامی و غیر متعهد برای خاتمه بخشیدن به این جنگ پابرجا هستند. جنبش آزادی بخش فلسطین در تکذیب گفته‌های نماینده خمینی اعلامیه‌ای رسمی نیز منتشر ساخت. این اختلاف جدید که بنا صدر اعلامیه جنبه آشکار و عمومی نیز یافته است، نشان دیگری از سرد شدن روابط میان چریک‌ها فلسطین و انقلابیون اسلامی است.

● هفته پیررتی دینوازه‌مکاران روح اله خمینی، حسین نواسانی

# ما و خوانندگان

## نامه‌ای از آلمان غربی از آوای ایران

ستونین محترم نشریه "آوای ایران" که در انا و منتشر می‌شود طی نامه‌ای نهضت را مورد لطف قرار داده‌اند که ما این خدمت کوچک را در خوشو این همه ارج نمی‌شناسیم.

نهضت مقاومت ملی ایران دست همه هموطنان را می‌فشارد و به کف فرود آوردن آنها نیازمند است تا با همکاری بتوانیم دشمنان ملیت، استقلال ایران را از سر زمین پاک و اهرای خود بیرون اندازیم همین نامه‌ای آوای ایران برای اضطلاع خوانندگان درج می‌گردد.

### هموطن مبارز

به همت و پایداری شما در تهیه نشریه "نهضت ارگان نهضت مقاومت ملی ایران" با محتویات پخته و مطالبی بکر و آموزنده در فرم و قالبی زیبا آفرین می‌گوئیم و به آن ارج فراوان می‌نهم.

ما نظریه نهضت را که خود مقدمه یک مبارزه جدی و بی‌امان علیه رژیم خونخوار و جابر خمینی و دارودسته خائن وی می‌باشد قائلیم و می‌گیریم. مسلمانان در سنگر مبارزه تنها نیستید همه‌ی انسانهای شرافتمند و وطن‌دستان واقفین پارسی و شما می‌باشند ما نیز در شرایط فعلی با چنانگی و دندان به مبارزه برخاسته‌ایم می‌توانیم در این دریا فی کسان مبارزه ذره‌ای باشیم که کمترین وظایف انسانی و میهنی خود را در رعایت شعار و ستان مبارز انجام دهیم.

با ما همکاری کنید نشریات خودتان و سایر دوستان و گروه‌های مبارز در دشمن خود را برای ما فرستید، ما را در جریان مبارزات خود و سایرین و آنچه که در آنجا‌ها می‌گذرد قرار دهید و در این راه ما را هادی و راه‌نما باشید.

موفقیت و پیروزی شما و همه‌ی ما را زمین راستین را خواستاریم.

و روتر دکتر بختیار شوالانی بعد از آمدن که از طرف انصاری حاضر توضیحات لازم داده شد و سپس بقیه در صفحه ۹

آقای پروفسور دکتر سی ضعی اصهار خرمندی از انتشارات ارگان نهضت مرفوع فرموده است: نمایندگی کشورهای آسیائی در هیئت رئیسه جامعه جهانی پیروز هستند که در هرار معوی از ۱۰۰ مؤسسه پژوهشی و آموزشی ۸۰ کشور جهان عضوان می‌باشند و اضافه کرده‌اند که در اجلاس بین‌المللی امسال که در نیمه دوم سپتامبر در ژاپن برگزار شد، بعنوان اعتراض نسبت به تعطیل دانشگاه‌های ایران، شرکت نکرده و پیامی ارسال داشته‌اند که در جلسه عمومی قرائت شده است و با لطفی که به ارگان نهضت پیدا کرده‌اند متن فارسی آن را برای ما فرستاده‌اند که عیناً چاپ می‌کنیم یا شد که سایر هموطنانمان که در نقاط مختلف جهان مشاعلی حساس دارند و خوشبختانه کم هم نیستند در این راه تلاش همه‌جانبه‌ای را آغاز کنند و صدای مخالفت ملت ایران را بگوش سفنگ جهانمان برسانند. بقیه در صفحه ۸

## خبرهای نهضت مقاومت ملی

● بنیاد امدادات کمیته سوئد شروع کتابخانه مرکز شهرهای ایسالا ولین شاپین موافقت کردند که نشریات نهضت در آن کتابخانه در دسترس ایرانیان گذاشته شود. بنیاد بخش نشریات و بیابادی نهضت مقاومت ملی از طرف سازمان و جریک‌های فدائی (اکثریت) و در رایسین دانشجویان سوئد اعلامیه‌ای بر علیه نهضت مقاومت ملی و دکتر بختیار جاب و منتشر گردید.

در جلسه‌ای که با حضور و نفر از اعضای کمیته نهضت مقاومت ملی در دفتر حزب سوسیال دموکرات سوئد در ایسالا با مسئولین حزب از جمله خانم کونل موگارد رئیس اداره امور بیگانگان تشکیل شد راجع به مانی اندیشه‌های نهضت

در اندکم ایجاد مدعی شد که دولت جمهوری اسلامی برای حل مسئله افغانستان طرحی تهیه دیده است که حزبیات آن محرمانه خواهد ماند. این خبر در تاریخ ۲ نوامبر در تایمز مالی منعکس شد و در ۱۲ نوامبر لوئید در ایس باره نوشت: طرح جمهوری اسلامی در باره افغانستان به هر حال با مخالفت سه گروه مقاومت افغان روبرو شده است، مسکو هم ضعیف این طرح را نمی‌تواند بپذیرد چون در آن آمده است که قوای شوروی باید خاک افغانستان را بلافاصله ترک گوید و این از آنجا که کرملین و جغاران روابط بسیار نزدیک و دوستانه با هم دارند دولت شوروی با خرمندی این طرح را رد خواهد کرد. در ۱۵ نوامبر رادیو بی‌بی‌سی اعلام کرد که دولت افغانستان طرح جمهوری اسلامی را دخالت این دولت در امور داخلی کشور افغانستان می‌خوانده است و افزوده که پیشنهاد ایجاد یک جمهوری اسلامی بر طبق الگوی ایرانی و دخالت دادن مذهب در امور کشور که به گذشته‌های دور تعلق دارد حتی قابل بحث نیست.

● تشکیل دولت جدید جمهوری اسلامی نیز در هفته ای که گذشت از جمله اخباری بود که در بعضی جراید اروپائی آمده بود. افراد کابینه حسن میسوی به استثنای دو نفر وزیر دفاع و وزیر کار (همه همکاران مهد وی کنی هستند. نشریه دلی تلگراف که ضاهرا" آخوندان را فقط از عمامه‌شان می‌شناسند، در باره دولت جدید جمهوری اسلامی نوشته است: در بین اعضا این کابینه فقط یک ملا وجود دارد، هراند نیزین محمد سلیمی را که به وزارت دفاع منصوب شده است غیر نظامی مدرنی کرده است و کار دین او را سرهمگی ۲ ساله میداند.

● در روزنامه تایمز مالی مورخ ۲ نوامبر تحت عنوان "انتصاب غذا بقیه در صفحه ۹

# ایران هرگز نخواهد مرد